

جمعه 19 بهمن 1397-3 جمادی الثاني 1440-8 فوریه 2019

راهپیمایی عظیم مردم در تأیید دولت موقت به فرمان امام خمینی (1357 ش)



راهپیمایی عظیم مردم در تأیید دولت موقت به فرمان امام خمینی (1357 ش)

به دنبال آغاز به کار دولت موقت، امام خمینی از مردم خواست از طریق تظاهرات آرام، نظر خود را درباره دولت موقت اعلام نمایند. پس از این درخواست، جامعه روحانیت مبارز تهران، مردم را به یک راهپیمایی بزرگ و همگانی در روز 19 بهمن ماه دعوت نمود. در اعلامیه‌های این حرکت، آمده که به همین منظور صادر شد خاطر نشان گردید "پس از 75 سال، این نخستین بار است که ملت ایران، تشکیل دولتی را به راستی جشن می‌گیرند." در این حال و در شرایطی که آمریکا همچنان از بختیار پشتیبانی می‌کرد و زمینه‌های کودتا را در ایران فراهم می‌نمود و مردم توسط بازمانده‌های رژیم به آتش، سوزی و قتل تهدید می‌شدند، این راهپیمایی خط بطلانی بر تمامی پندارهای سلطنت و طلبان کشید و خواب و پریشان آنان را بی‌تعبیر گذاشت. در این زمان امام خمینی ادامه نهضت را به عنوان یک تکلیف الهی اعلام نمود و راهپیمایی میلیونی مردم به عنوان پشتیبانی از دولت موقت منصوب شده از طرف رهبر انقلاب اسلامی ایران، تهران و شهرستان‌ها را غرق در تظاهرات نمود. در پایان این راهپیمایی عظیم، قطعنامه هفت ماده‌ای قرائت شد و نخست وزیر برای آرام کردن اوضاع، دست به یک سلسله کارهای نمایشی و قرار "جعفر شریف امامی" نخست وزیر رژیم پهلوی در پی فراگیر شدن نهضت اسلامی (1357 ش) گرفت.

شریف امامی در دوران دوم نخست وزیر خود، برای آرام کردن اوضاع، دست به یک سلسله کارهای نمایشی و غیرعادی از نظر رژیم زد. اولین کار او این بود که گفت با حزب رستاخیز، تنها حزب سیاسی کشور که پارلمان را در اختیار داشت، کاری ندارد و به این ترتیب عملاً موجبات انحلال این حزب را فراهم ساخت. وی همچنین تاریخ موهوم و مجعول شاهنشاهی را لغو کرد و مجدداً تاریخ هجری شمسی را برقرار نمود. او همچنین قمارخانه‌ها و مراکز فساد را بست ولی هیچ کدام از این اقدامات عوام‌فریبانه و تسکینی، محبوبیت و موقعیتی برای او نزد مردم به وجود نیاورد. اقدامات شریف امامی و آزادی عملی که به مخالفان داده شد، بر دامنه تظاهرات و اغتشاشات ضد رژیم افزود به طوری که در چندین شهر بزرگ کشور، حکومت نظامی اعلام شد و فجایع خونینی از قبیل جمعه سیاه تهران در 17 شهریور 1357 و کشتار دانش‌آموزان تهران در 13 آبان 1357 به وجود آمد. جعفر شریف امامی، نخست وزیر سرسپرده محمد رضا پهلوی، پس از آن که نتوانست، اوضاع دگرگون مملکت را به نفع رژیم تغییر دهد، پس از 57 روز نخست وزیر، از این سمت استعفا داد و به جمع و جور کردن ثروت خود در ایران پرداخت. وی به سرعت اموال خود را به خارج منتقل کرد و در نهایت سه روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در نوزدهم بهمن 1357، بدون کوچکترین مانع، راه آمریکا را پیش گرفت و دور از غوغا و سروصدا به زندگی ننگین خود ادامه داد.

اعلام همبستگی همافران با انقلاب اسلامی در حضور حضرت امام خمینی (ره) (1357 ش)

از شکننده‌ترین ضربات بر پیکر رژیم شاهنشاهی، حرکت شجاعانه پرسنل نیروی هوایی در نوزدهم بهمن ماه 1357 ش بود که به حق می‌توان آن روز را از ایام انقلاب اسلامی خواند. در این روز و به دنبال گسترش انقلاب اسلامی در تمام نقاط کشور و دعوت حضرت امام خمینی (ره) از نظامیان برای پیوستن به ملت، جمع کثیری از همافران و پرسنل نیروی هوایی ارتش، به محل اقامت امام رفته و پس از رژه در مقابل آن حضرت و دیدار تاریخی خود با امام، همبستگی خود را با انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی اعلام کردند. از آن پس، روز نوزدهم بهمن ماه هر سال به عنوان روز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گرامی داشته می‌شود.

در روز نوزدهم بهمن 1357، نظامیان متعهد نیروی هوایی با حضور در اقامتگاه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی در مدرسه رفاه و بیعت با آن حضرت، سندی از افتخار، حماسه، رشادت و ایمان را در برگ‌های زرین تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت رسانیدند. نقش ارزنده همبستگی باشکوه ارتش و خصوصاً نیروی هوایی در اضمحلال و شکست رژیم، نشان دهنده شعور ایمانی و انقلابی این عزیزان فداکار و عشق ورزیدن به آرمان‌های مقدس و آزادی‌خواهانه ملت در این سرزمین بود که موجب شد تا علی‌رغم فشارها و اختناق شدید آن روز، این عزیزان، گام در میدان مبارزه با ظلم و جور نظام پهلوی برداشته و یک صدا با ملت دلاور در 19 بهمن 1357، حماسه پرشکوه این بیعت را در صفحات تاریخ انقلاب اسلامی ثبت نمایند. عظمت رویداد باشکوه 19 بهمن نه تنها در خاطره نسل انقلاب، بلکه در اذهان نسل‌های آتی این کشور نیز، همیشه به عنوان یک حماسه جاویدان، متجلی و منور خواهد ماند. همچنین نیروی هوایی، پس از پیروزی انقلاب و در طول دوران جنگ، با همان روحیه والا ظاهر شد و به عنوان نیروی پیشتاز در تمامی صحنه‌ها، از دستاوردهای انقلاب اسلامی پاسداری نموده است.

درگذشت "جوزف پرستلی" دانشمند انگلیسی و کاشف اکسیژن (1804م)

جوزف پرستلی دانشمند انگلیسی در سیزدهم مارس 1733م در نزدیکی شهر لیدز انگلستان به دنیا آمد و در کودکی

یتیم شد. وی از آن پس تحت سرپرستی عمه‌اش به تحصیل پرداخت و زبان‌های فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و عربی را به خوبی فرا گرفت. پرستلی پس از چندی به علم شیمی علاقه پیدا کرد و آزمایش‌های در این زمینه انجام داد. وی در یکی از آزمایش‌های خود، قطعه چوبی را سوزاند و سپس آن را در معرض گازی که از خمره آبجو خارج می‌شد قرار داد و مشاهده کرد که شعله چوب خاموش می‌شود. این واقعه باعث پیگیری بیشتر پرستلی و کشف گاز کربنیک گردید. او آزمایش‌های خود را ادامه داد و با انجام فعل و انفعالاتی بر روی گاز کربنیک گاز بی‌رنگ و بو کشف کرد که همان گاز ازت است. پرستلی در یکی دیگر از آزمایش‌های خود، مقداری از گاز کربنیک را در آب حل کرد و برای اولین بار، راه تهیه مشروبات غیرالکلی را به جهان نشان داد. با این کشف‌های پرستلی شهرت بی‌نظیری به دست آورد و از طرف دولت فرانسه به استادی آکادمی علوم برگزیده شد. یکی دیگر از کارهای مهم او آن است که برای اولین بار، گاز اکسیژن را کشف کرد. وی در سال 1744، با حرارت دادن به اکسید جیوه گازی را کشف کرد که این گاز پس از مطالعه توسط لاوزیه، شیمی‌دان معروف فرانسوی، به نام گاز اکسیژن شناخته شد. پرستلی دریافت که گیاهان می‌توانند اکسیژن تولید کنند. او هم‌چنین به تنفس گیاهان پی برد و راه طبیعی تهیه اکسیژن را کشف کرد. در این میان برخورد پرستلی و عده‌ای از آشوبگران در جریان انقلاب کبیر فرانسه، به حمله این خرابکاران به منزل و کتابخانه پرستلی انجامید و حاصل زحمات چندین ساله‌اش در این تاراج از بین رفت. پس از این حادثه، پرستلی از فرانسه راهی آمریکا شد و فعالیت‌های علمی خود را ادامه داد. زمانی که پرستلی در آزمایشگاه شخصی خود در پنسیلوانیا کار می‌کرد، به کشف مهم دیگری نائل آمد. او گاز سمی و مرگ‌آمیز و آور اکسید کربن را از احتراق ناقص زغال، بنزین یا هر سوخت دیگر با اکسیژن کشف کرد که درجهان علم دارای ارزش زیادی است. وی هم‌چنین درباره جوهر گوگرد، آمونیاک و جوهر نمک مطالعات و تحقیقات و آزمایش‌های فراوانی انجام داد که امروزه، نتایج این تحقیقات در علم شیمی دارای اهمیت بسزایی می‌باشند. جوزف پرستلی سرانجام در 8 فوریه 1804م در 71 سالگی درگذشت.

مرگ "پتر کبیر" پادشاه بزرگ روسیه (1725م)

پتر کبیر فرزند آلكسی میخایلوویچ پادشاه معروف روسیه در روز 9 ژوئن 1672م در خانواده تزار روس به دنیا آمد. پس از مرگ پدر، اغتشاشاتی در روسیه روی داد که به قدرت گرفتن سوفی دختر میخایلوویچ و خواهر پتر انجامید. در این هنگام، پتر خردسال، به یکی از مناطق اطراف مسکو فرستاده شد. پتر که در ده سالگی به تزاری روس رسیده بود، با وجود خواهرش سوفی، نمی‌توانست به راحتی سلطنت کند و در واقع تا 17 سالگی، تحت نفوذ و اقتدار او باقی بود. در 29 سپتامبر سال 1689م، پتر با کمک جمعی از دوستان خود به مسکو حمله برد و سوفی را به زندان افکند و خود به جای او به سلطنت نشست. پتر از همان زمان، درصدد دست یافتن به دریای آزاد بود تا کشور روس را با دول اروپایی مرتبط کند. از این رو با امپراتوری عثمانی به جنگ پرداخت و پس از نبردهایی سنگین، قسمت‌هایی از این امپراتوری را به تصرف خود درآورد. پتر پس از آشنایی با تمدن اروپای غربی و تسلط بر زبان‌های آلمانی - هلندی و مقدمات هندسه و حساب به دو مسئله توجه نشان داد. یکی آشنا کردن ملت روسیه به وضع تمدن اروپای غربی و ایجاد تشکیلات جدید داخلی و دیگری، توسعه کشور و دست یافتن به دریای سیاه و بالتیک. پتر کبیر برای عملی نمودن منظور دوم خود به مدت بیست سال به جنگ پرداخت و مناطقی را تصرف نمود. او برای آنکه به خوبی با جزئیات تمدن کشورهای اروپای غربی آشنایی حاصل کند، دو سفر به اروپا کرد و ضمن آن، اطلاعاتی درباره زندگی آنان به دست آورد. پتر در مراجعه به کشورش، عده‌ای مهندس، طبیب، صنعت‌گر و افسر لایق جهت تشکیلات جدید روسیه همراه خود آورد و تلاش فراوانی در ایجاد و ساماندهی تشکیلات و تأسیسات جدید اداری، نظامی و مذهبی کشور از خود نشان داد. از این روست که پتر کبیر را مؤسس روسیه جدید نامیده‌اند. پتر در سال 1721م خود را امپراتور کل روسیه اعلام کرد و پس از آن، انتخاب امپراتور آینده را تابع اراده پادشاه وقت قرار داد. او علی‌رغم دارا بودن صفاتی از قبیل ازخودگذشتگی فراوان در راه روسیه، در منتهای بی‌رحمی و فساد نیز قرار داشت و جان و آزادی و شخصیت افراد در نظر او هیچ‌گونه ارزشی نداشتند. آرزوی دستیابی به دریاهای آزاد و گرم به عنوان یکی از وصایای پتر کبیر، در جانشینان او تداوم یافت و پادشاهان روس همیشه درصدد اجرای این خواسته بودند. چنانکه دست‌اندازی به خاک ایران در طول سلطنت شاهان قاجار نیز در راستای همین سیاست شکل گرفت. پتر کبیر سرانجام در 18 فوریه 1725م در پنجاه و سه سالگی درگذشت.